

وصیت‌نامه هوشی مین، رهبر کبیر انقلاب مردم ویتنام

بهرام پارسا



من در سراسر هستی خود، از ژرفای جان و با تمام توان به میهن، انقلاب و خلق ویتنام خدمت کرده‌ام. بنابراین اگر هم‌اکنون هم به ناگزیر جهان را ترک کنم، جز این افسوس نمی‌خواهم داشت که دیگر نمی‌توانم به وظیفه خود در برابر میهن و انقلاب ادامه دهم.

پیش‌گفتار

پنجاه‌وسه سال پیش، در سوم سپتامبر ۱۹۶۹/۱۳۴۸، رفیق نگوین آی کوآوک هوشی مین، یکی از تابناک‌ترین سیماهای تاریخ مبارزات آزادی‌خواهانه انسان زحمتکش درگذشت. هوشی مین هنگامی که جهان را بدرود گفت، هفتادونه سال داشت. انقلاب خلق قهرمان ویتنام در چهارم ژوئیه سال ۱۳/۱۹۷۵ تیرماه ۱۳۵۴ به پیروزی نهایی دست یافت و جمهوری سوسیالیستی ویتنام متولد شد. بنابراین هوشی مین که برای رهایی میهن خود از یوغ استعمارگران فرانسوی و بیرون راندن اشغالگران امپریالیست آمریکایی، خلق ویتنام را از میان سهمگین‌ترین و قهرمانانه‌ترین نبردها، به آستانه پیروزی رهبری کرده بود، خود نتوانست این پیروزی تاریخی را به چشم ببیند. اما نیروی متحد خلق ویتنام و رهبری سترگ حزب کمونیست ویتنام، که هوشی مین از بنیانگذاران آن بود، مبارزه را تا پایان ادامه دادند و امپریالیسم خونخوار آمریکا را وادار به شکست و گریز بزدلانه و سراسیمه از خاک ویتنام کردند. به این سان افسانه شکست‌ناپذیری امپریالیسم آمریکا درهم شکست. شکست در ویتنام، پیروزی‌های دیگری را برای خلق‌های اتیوپی، آنگولا، یمن، افغانستان، ایران و نیکاراگوئه رقم زد و امپریالیسم به سرکردگی آمریکا را به عقب‌نشینی‌های بزرگ واداشت. گرچه امپریالیست‌های دژخیم، با کمک خائنان به آرمان سوسیالیسم و با سوءاستفاده

از دشواری‌های بنای ساختمان سوسیالیسم، توانستند در دهه ۱۹۹۰/۱۳۷۰، نیروی کار را به عقب برانند و زخم‌های خونبار دردناکی را بر پیکر کارگران و زحمتکشان جهان وارد و جامعه کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی را نابود کنند و بخش مهمی از کشورهای استعمارزده اما از بند رسته را بار دیگر به زیر یوغ نظام سرمایه‌داری سودمحور و انسان‌ستیز درآورند، اما با گذشت بیش از سی سال از دوران عقب‌نشینی و ترصد، اینک نیروی کار، بار دیگر به پا می‌خیزد و پرچم مبارزه و پیروزی را برمی‌افرازد. هنوز نبردهای بزرگ و خونبار در پیش است، اما امید است که کارگران و زحمتکشان در سایه اتحاد و مبارزه و درس‌آموزی از قهرمانی‌ها و ضعف‌ها، آگاهی‌ها و غفلت‌ها و درست‌بینی‌ها و کژاندیشی‌ها، این بار امپریالیسم، فاشیسم و سرمایه‌داری را گام به گام عقب برانند و سرانجام به این دوران ننگین بربریت سرمایه‌داری در تاریخ بشر پایان دهند.

در این شرایط است که مطالعه وصیت‌نامه رفیق هوشی مین، که در دهم دسامبر ۱۳۴۸/۱۹۶۹ یعنی کم‌تر از چهار ماه پیش از درگذشت او نگاشته شده است، می‌تواند بر آگاهی و اراده و استقامت مبارزان بیفزاید و به الهام‌بخش آنان در نبرد دشوار، بغرنج و طولانی بر علیه امپریالیسم، فاشیسم و سرمایه‌داری تبدیل شود.

وصیت‌نامه هوشی مین:

اگرچه ممکن است که پیکار خلق ما علیه تجاوز امپریالیست‌های آمریکایی و برای کسب رهایی ملی، با دشواری‌ها و قربانیان باز هم بیشتری همراه باشد، اما ما راهی جز پیروزی نداریم. پیروزی خلق ویتنام قطعی و حتمی است. آرزو می‌کنم آن‌گاه که پیروزی فرا برسد، به بخش‌های شمالی و جنوبی کشور سفر کنم، به هم‌میهنان قهرمان، به کمونیست‌ها و مبارزان دلاور شادباش بگویم و پیران، جوانان و کودکان عزیزمان را در آغوش بگیرم.

سپس به نمایندگی از خلق ویتنام به کشورهای برادر سوسیالیستی و کشورهای دوست در سراسر جهان سفر کنم تا از یاری‌ها و حمایت‌های صمیمانه‌شان در نبرد میهنی ما علیه استعمارگران فرانسوی و آمریکای متجاوز سپاسگزاری کنم.

توفو، شاعر بزرگ چینی گفته است: «در همه روزگاران، اندک‌اند مردمانی که از بلندای هفتاد سالگی می‌گذرند.» اکنون که هفتاد و نه ساله‌ام، می‌توانم شاکر باشم که از مرز آن اندک مردمانم. هر چند در چند سال گذشته سلامت جسمی‌ام، تحلیل رفته است، اما خوشبختانه هوش، حواس و ادراکم هنوز پابرجاست. گریزی نیست. تندرستی آدمی با افزایش سن، بتدریج

آسیب می‌بیند. اما چه کس می‌داند که من تا کی خواهم توانست به انقلاب، به میهن و به مردم قهرمان ویتنام خدمت کنم؟ اما می‌دانم که به آن روزی که خلق خود را ترک کنم و به کارل مارکس و ولادیمیر ایلیچ لنین بپیوندم، دیگر خیلی نزدیکم. بنابراین قلم به دست می‌گیرم و چند سطری را بر کاغذ می‌آورم. در این چند سطر با مردم سراسر ویتنام، رفقای حزبی و دوستان ما در سراسر جهان سخن می‌گویم.

نخست با حزب سخن می‌گویم؛ حزب کمونیست ویتنام

حزب ما از همان آغاز، در سایه وحدت سازمانی رزمنده، و وفاداری بی‌خدشه به منافع طبقه کارگر و خلق ویتنام، و پایداری در مبارزه برای رهایی میهن از بند استعمار، توانسته است خلق ویتنام را متحد و سازماندهی و در نبردهای دشوار و بی‌امان از یک پیروزی به پیروزی دیگر رهبری کند. وحدت، سنت گران سنگ و بی‌بدیل حزب و خلق ماست. همه رفقا، از رفقای کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام تا افراد حوزه‌ها، باید وحدت پولادین سازمانی و اندیشگی را در درون حزب هم چون مردمک چشم حفظ کنند. در سازمان‌های حزبی باید دموکراسی همه‌گیر و گسترده برقرار باشد و اصل مهم و خدشه‌ناپذیر انتقاد و انتقاد از خود، به گونه‌ای منظم و با عالی‌ترین شیوه‌ها اجرا شود تا همبستگی و وحدت حزب تأمین شود و گسترش یابد. در اجرای این اصل، باید روح مهر، دلسوزی و همبستگی همواره جاری باشد. حزب ما حزبی است که اکنون دیگر قدرت را به دست گرفته است. همه اعضای حزب، رفقای کمیته مرکزی، کادرها و اعضای حزب باید به طور ژرف و همه‌جانبه به اخلاق انقلابی آراسته باشند و از خود پشتکار و صرفه‌جویی، درستی و راستی و وفاداری تمام عیار به منافع طبقه کارگر و زحمتکشان را با صداقت کامل و در عمل نشان دهند. تمام اعضای حزب باید در حفظ پاکیزگی شخصیتی با تمام وجود بکوشند و ثابت کنند که خدمتگزار واقعی مردم اند و خلق ویتنام به درستی به آنان اطمینان کرده و اداره کشور را به آنان سپرده است. اعضای سازمان جوانان حزب ما، از دشواری‌ها باکی ندارند. آنان می‌خواهند پیشرفت

در مقیاس جهان ما ملت کوچکی هستیم. با این وجود افتخار می‌کنیم که امپریالیسم فرانسه را با شکست روبرو کردیم و امپریالیست‌ها آمریکایی هم در آستانه نابودی و فرار قرار دارند. خلق قهرمان ویتنام با شکست این دو امپریالیسم تبهکار، سهم شایسته خود را در خانواده جنبش‌های رهایی بخش خلق‌های جهان ادا کرده است و خواهد کرد.

کنند و ارتقا یابند و شجاع و فداکارند. حزب باید این خصلت‌ها و ویژگی‌های انقلابی آنان را پرورش دهد و ارتقا ببخشد. باید آنان را آماده کنیم تا جایگزین ما شوند، آن‌سان که با خصلت‌های سرخ سوسیالیستی و کارآزمودگی‌های سخت‌کوشانه، در بنای ساختمان سوسیالیسم مشارکت کنند. فراموش نکنیم که آموزش و پرورش نسل‌های انقلابی آینده، از اهمیت بی‌نظیری برخوردار است.

کارگران و زحمتکشان ما، در کارخانه‌ها و کشتزارها و در نسل‌های متمادی از ستم و بهره‌کشی نظام ظالمانه فئودالی و حاکمیت جنایتکارانه استعمارگران، رنج‌ها برده و متحمل سختی‌های جانفرسا شده‌اند. افزون بر این، درد و مصیبت نبردهای جانفرسای سالیان دراز همواره بر دوش آنان بوده است. با این وجود کارگران و زحمتکشان میهن ما همواره از خود دلیری، شور مبارزه و سرسختی و پایداری نشان داده و از همان روزهای آغازین تأسیس حزب کمونیست ویتنام از آن حمایت کرده و با سرافرازی در صفوف آن رزمیده‌اند. وظیفه حزب ماست که با اجرای برنامه‌های دقیق و هدفمند، همواره در ارتقای سطح زندگی اقتصادی و فرهنگی آنان برزمد به گونه‌ای که زندگی اقتصادی و فرهنگی آنان به طور مستمر ارتقا یابد.

مبارزه ما علیه متجاوزان آمریکایی، ممکن است همچنان ادامه یابد. تداوم این مبارزه ناگزیر مردم ما را با دشواری‌های بزرگ‌تری روبرو خواهد ساخت و قربانی‌ها و ویرانی‌های بیشتری را بر آنان تحمیل خواهد کرد. اما در هر شرایطی ما و خلق ما باید با اراده‌ای تزلزل‌ناپذیر علیه متجاوزان آمریکایی برزمیم. همواره باید در استواری اراده خود بکوشیم. فراموش نکنیم که هیچ نیرویی نمی‌تواند کوهسارهای ما، رودهای ما و خلق ما را نابود کند. آنها زوال‌ناپذیرند.

پس از شکست اشغالگران امپریالیست آمریکایی، حزب ما و خلق ما، میهن سوسیالیستی خود را ده‌ها بار زیباتر از پیش خواهند ساخت و علی‌رغم دشواری‌ها و محرومیت‌هایی که هنوز در پیش است، من به پیروزی آنها ایمان بی‌خلل دارم. امپریالیست‌های آمریکایی بدون تردید کشور ما را ترک خواهند کرد. بدون تردید میهن ما بار دیگر وحدت خود را باز خواهد یافت و هم‌میهنان ما در بخش جنوبی و شمالی بدون تردید بار دیگر زیر یک سقف خواهند زیست. در مقیاس جهان ما ملت کوچکی هستیم. با این وجود افتخار می‌کنیم که امپریالیسم فرانسه را با شکست روبرو کردیم و امپریالیست‌ها آمریکایی هم در آستانه نابودی و فرار قرار دارند. خلق قهرمان ویتنام با شکست این دو امپریالیسم تبهکار، سهم شایسته خود را در خانواده جنبش‌های رهایی بخش خلق‌های جهان ادا کرده است و خواهد کرد.

درباره جنبش کمونیستی جهان

از آن جا که سراسر زندگی و هستی خود را وقف آرمان‌های انقلاب کرده‌ام، طبیعی است که از رشد، ارتقا و گسترش جنبش جهانی کمونیستی بر خود بیالم. در عین حال نمی‌توانم اندوه ژرف خود را از شکاف و تفرقه در میان احزاب برادر پنهان کنم. امیدوارم که حزب کمونیست ویتنام، تمام مساعی خود را برای بازگشت وحدت به خانواده احزاب برادر کمونیست، بر پایه مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری به کار بندد. من باور عمیق دارم که احزاب برادر کمونیست بار دیگر متحد و یگانه خواهند شد.

و اما در امور شخصی

من در سراسر هستی خود، از ژرفای جان و با تمام توان به میهن، انقلاب و خلق ویتنام خدمت کرده‌ام. بنابراین اگر هم اکنون هم به ناگزیر جهان را ترک کنم، جز این افسوسی نخواهم داشت که دیگر نمی‌توانم به وظیفه خود در برابر میهن و انقلاب ادامه دهم. لطفاً پس از مرگ من چنان مراسم ساده‌ای برگزار کنید که وقت و پول مردم به هیچ وجه هدر نرود. در پایان مهر و محبت بیکران خود را به همه مردم، همه اعضای حزب، ارتش رهایی بخش، همه دختران و پسران جوان و همه کودکان تقدیم می‌کنم. به همه رفیقان راه، به همه یاران هم‌نبرد در سراسر جهان و به همه جوانان و کودکان سراسر گیتی درود می‌فرستم.

آخرین آرزوی من این است که همه اعضای حزب کمونیست ویتنام و خلق قهرمان ما، با مبارزه و تلاش متحد و همه جانبه خود، ویتنامی صلح دوست، متحد، مستقل، دموکراتیک و شکوفا برپا سازند و به این وسیله نقش شایسته خود را در انقلاب جهانی ایفا کنند.

هوشی مین/هانوی/دهم ماه مه ۱۹۶۹

